

رفیعی خواستار جلوگیری از فعالیت تورهای غیر مجاز شد

خالی کردن جیب مسافران خروجی از شهرهای هدف حملات باقیمت های گزاف



همزمان با شرایط اضطراری ایجاد شده در کشور در پی تجاوز اسرائیل، برخی سوءاستفاده ها از وضعیت مسافران خروجی از شهرهای هدف حمله به اعتراض رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرتی ایران نسبت به کلاهبرداری از مسافران منجر شد.

رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرتی ایران گفت: در شرایط ایجاد شده اخیر برخی تورهای غیر مجاز اقدام به تبلیغ و ثبت نام مسافران خروجی از شهرهای هدف حملات باقیمت های گزاف و خدمات پایین کردند.

حرم الله رفیعی، افزود: مسافران به دلیل ناآشنایی با قوانین آژانس های مسافرتی بناچار به شرایط وضع شده از سوی تورهای غیر مجاز تن دادند و انجمن دفاتر مسافرتی ایران با اعتراض به این اقدام خواستار جلوگیری از فعالیت تورهای غیر مجاز که با سوءاستفاده از شرایط ایجاد شده خدمات شایسته ای به مسافران نداده اند، شده بود.

وی با اشاره به بخشنامه وزارت میراث فرهنگی در خصوص بازگرداندن پول مسافرانی که سفر آن ها در شرایط جنگی کنسل شده بود، افزود: متأسفانه اطلاعاتی دولت در این باره کامل نبود. چون پول دریافت شده از مسافران توسط دفاتر مسافرتی به هتل ها و ایرلاین ها بابت اقامت و پرواز داده شده بود و تنها در شرایطی می توان پول مسافران را پرداخت که هتل ها و ایرلاین ها مبلغ را به آژانس ها بازگردانند تا آن ها پول مسافران را مسترد کنند.

به گفته رئیس انجمن صنفی دفاتر مسافرتی ایران، تورهای غیر مجاز حتی در جنگ اخیر نیز به صنعت گردشگری و مسافران آسیب زدند و با انتشار تبلیغات و آگهی، مسافران دفاتر مجوز دارو قانونمند را بودند و بدون رعایت تعهدات قانونی و رفتار حرفه ای مسافران را متضرر و خدمات با کیفیت به آن ها ارائه ندادند.

اینترنترنت برگشت؛ وزیر ارتباطات عذرخواهی کرد!

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، در توییتری از بازگشت اینترنت به شرایط عادی خبر داد. ستار هاشمی، در پستی در شبکه اجتماعی اکس نوشت: «هم باز مردم شریف و صبور،



در سخت ترین شرایط، با تحمل دشواری ها، پای کار ایران باز میمان ایستادند. حالا نوبت ماست. با عادی شدن شرایط، وضعیت دسترسی های ارتباطی، به شرایط قبل بازگشت. از همه مردم به ویژه بخش ارتباطات و فعالان اقتصاد دیجیتال کشور، بابت این وضعیت تحمیلی صمیمانه عذرخواهی می کنم. ضمن تشکر از حمایت های رئیس جمهور محترم، مجدانه پیگیری وعده های پیشین خود برای تسهیل دسترسی و بهبود کیفیت ارتباطات هستیم. امیدوارم دیگر این شرایط را تجربه نکنیم.»

عضو شورای شهر: بودجه ۳۵۰ میلیاردی مرمت برگشت خورد

رئیس کمیته میراث فرهنگی و گردشگری شورای شهر تهران از سر نوشت تلخ خانه های تاریخی مشاهیر تهران خبر داد و گفت: درباره بودجه ای که به صورت کلی برای مرمت خانه های تاریخی



متعلق به شهرداری گذاشته بودیم، متأسفانه از ۴۰۰ میلیارد تومان اعتباری که در این زمینه در نظر گرفته بودیم، ۲۵۰ میلیارد تومان آن برگشت خورد. چون در دوره کنونی مدیریت شهری تهران، تمرکز لازم در حوزه گردشگری و میراث وجود نداشت تا املاکی را که نیاز به مرمت داشت، در اولویت قرار دهند. احمد علوی، در گفت وگوا دیده بان ایران افزود: در همین راستا ما امسال پیگیر هستیم که شرکت گردشگری شهر تهران در زیر مجموعه شهرداری را ماندازی تا بودجه هایی که در این زمینه تخصیص پیدا می کند، متولی مشخصی داشته باشد. به نظر می رسد چون این مساله متولی خاصی ندارد، کار راه خوبی پیش نمی رود.

وی در پاسخ به این سوال که چرا حساسیت شورای شهر در خصوص کم توجهی شهرداری به مرمت خانه های تاریخی از سطح تذکر بالاتر نرفته است، گفت: در این زمینه حساسیت داشتیم، هم تذکر دادیم و هم با مسئولان ذی ربط جلسه داشتیم. اما به نظر می رسد چون این مساله متولی خاصی ندارد، کار راه خوبی پیش نمی رود. البته در حوزه گردشگری نهادهای مختلفی در پائینخت مسئولیت دارند، مثلاً ستاد گردشگری مسئول برگزاری تورها است و شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهر تهران نیز موضوعات دیگری را دنبال می کند.

علوی افزود: تحلیل ما بر این است که وقتی کار دست این نهادهای باشد، چون به صورت تخصصی انجام نمی شود، ممکن است هزینه بیشتری به شهر داری تحمیل شود. امسال هم به دوستان گفته ایم که فعلاً به بودجه هایی که برای مرمت خانه های تاریخی در نظر گرفته شده است، دست نزنید، تا شرکت گردشگری تعیین تکلیف شود.

قطعاتی از موسیقی ملل با سینا ذکاایی صدای ایران در پهنه رودکی شنیده شد

تعدادی از هنرمندان هنرستان های موسیقی و گروه سینا ذکاایی چهارشنبه ۴ تیر در پهنه رودکی به اجرای موسیقی پرداختند.



به گزارش ایسنا، چهارمین برنامه با هدف تجلیل از ایستادگی ملی و به پاس رشادت ملی و یادشدهای وطن، نشان دادن انسجام ملی و افتخار به سربازان وطن در زیر آسمان شهر تهران صبح روز چهارشنبه ۴ تیر ماه در پهنه رودکی با همراهی تعدادی از هنرمندان هنرستان های موسیقی، و همچنین گروه سازهای بادی به سرپرستی سینا ذکاایی برگزار شد.

این هنرمندان جوان باور به اینکه در شرایطی چنین سخت، هنر واسطه ای زیبا و مؤثر برای همدلی، تسکین و نزدیکی قلب هاست، به صورت مستقل و خودجوش سعی در ایجاد فضایی همدلانه با شهروندان تهران داشتند.

درباره نمایش «عزادار» به کارگردانی امیر نجفی

طغیان علیه آیین خودفریبانه سوگواری طولانی مدت



محمدحسن خدایی

ایرانی را مجبور کرده، برای تاب آوری بیشتر، تن به مداخله گری دولت دهد و شکل نوینی از پدرسالاری پنهان را پذیرا باشد. در این میان نهاد اجتماعی تئاتر در ایران امروز، نسبت متناقض نمایی با جایگاه «پدر» دارد و برای رویت پذیری اش، بیسی از پیش دچار بحران بازنمایی است. با آن که فیکور نمادین پدر این روزها از نفس افتاده و حضوری آیرونیک دارد اما شاهد هستیم که چگونه در تلاش است از نو و با صلابت به صحنه بازگردد و اقتدارش را به تمامی از کان خانواده بسط دهد. تلاشی رقت بار در مقابل هجوم نیروهای مهاجم بیرون از خانه که نشان می دهد فیکور پسر بی دفاع مانده و با دستانی بسته تقلا دارد از عرصه نمادین حذف شود.

تئاتر در ایران معاصر هیچ گاه نتوانسته نسبت خود را با جایگاه نمادین پدر به درستی روشن کند چرا که به تخریب ثابت شده فضای پرابهامی بر مناسبات خانوادگی ایرانیان در جریان است و به راحتی نمی توان به این

جمع بندی رسید که پدرسالاری در این سال ها کم رنگ شده و یا مناسبات اجتماعی به سمت دموکراتیک شدن در حال حرکت بوده است. البته شواهدی از تضعیف جایگاه پدر در ساختار خانوادگی ایرانیان به علت تغییر در شیوه مادی تولید جامعه و پوست اندازی اخلاقیات عمومی مشهود است که نمی توان نادیده اش گرفت. اما با تمامی این قرائن غیر قابل کتمان همچنان پدرسالاری تاریخی این مرز و بوم به اشکال مختلف در حال بازتولید شدن است و نمی توان نقش بی بدیل پدر را در سامان بخشی به ساختار خانواده ایرانی نفی کرد. صد البته پدردار شدن نسل جدید فرزندان و مواجهه با تضعیف توان اقتصادی پدران، مبین این نکته است که در وضعیت اشته امروزی، از جایگاه نمادین پدر تا حدودی اقتدارزایی شده تا وضعیتی شکل گیرد که جامعه شناسان آن را «پدرسالاری بدون پدر» نامیده اند. به دیگر سخن، نهاد دولت به مثابه انتظام بخش جامعه، به ضرورت یا انتخاب پا به میدان گذاشته و تلاش دارد همچون یک پسر مقتدر به رتق و تقط امور جاری بپردازد و پاسخگوی نیاز خانواده های مستاصل ایرانی باشد. به هر حال کاهش درآمد سربازان خانوار ایرانی به اقتدارزایی فراینده از جایگاه نمادین پدر شدت بخشیده و خانواده

به هر قیمت می خواهد ساختار قبلی خانواده را حفظ کند و نمایشی از آیین سوگواری را به نمایش گذارد. بدین منظور مادر و فرزندانش بعد از به جا آوردن سوگواری طولانی، به این نتیجه رسیدند که با استخدام فردی غریبه که قرار است در نقش پدر ظاهر شود، اوضاع بهم ریخته خانواده را مدیریت کرده و شادی را به خانه بازگردانند. اما نکته اینجا است که مادر و فرزندانش، به واقع چندان که باید سوگوار مرگ پدر نبوده و کمابیش نقش عزادار را بدون صداقت به نمایش گذاشته اند. اجرا با ورود مرد غریبه ای به خانه آغاز می شود که پدرفته با دریافت پول، نقش پدر را بازی کند. اما گستاخی فرزندان و شرایط دشوار پدر بودن، موجب اعتراض و خروج مرد غریبه شده و بار دیگر جای خالی پدر عیان می شود. با آن که اعضای خانواده با انکار مرگ پدر، در ظاهر امر آیین سوگ را ادامه می دهند اما در ادامه کاشف به عمل می آید که نفرتی عمیق از پدر در میان



پرده نقره ای

نگاهی به سربال «وحشی»، ساخته هومن سیدی

وحشی یا دروغگو! بدشانس یا متجاوز؟

عمل کنند. برای نمونه می توان به مسیر کلی سربال اشاره کرد: سربال در قسمت ابتدایی با فضایی کارگری شروع می شود که گویی قرار است فضای عدالت خواهانه و سوسیالیستی را تداعی کند. در ادامه و با وقوع قتل بچه ها، به نظر می رسد که با یک قصه معمایی و جنایی طرف باشیم اما خیلی زود و در حد همان قسمت های ابتدایی، این دو محور و فضا فراموش و رهامی شود و با بروز قتل غیر عمد دوم، سربال وارد فضای زندانی و دادگاهی می شود. اما این تمام ماجرا نیست و سازندگان تصمیم می گیرند که در دو سه قسمت انتهایی، فضای عاشقانه سربال را نیز شکل و گسترش دهند و این رو به سراغ عشق رها و داوود می روند که یکی از مبهم ترین و بی منطق ترین بخش های سربال است.

ارتباط عاطفی یا اصولاً دونفره رها و داوود اشرف نیز تضاد و تناقض کم ندارد که سبب ماجرا پس از کش و قوس های فراوان، به ابراز علاقه و به نوعی خواستگاری داوود از رها در ماشین شروع می شود که رها در پایان اپیزود، جواب رد به درخواست داوود می دهد اما این یکی دیگر از لحظات غافلگیر کننده سربال است که کارکرد یک بار مصرفی بیشتر ندارد چرا که در اوایل قسمت بعد، رها بدون هیچ توضیحی و تأکید بر اینکه به داوود جواب رد داده با او هم کلام می شود و حتی یک شب بعد، شاهد حضور داوود در خانه رها هستیم. گویی این ارتباط شبانه بعد تر به اعتراف گیری و رودست زدن به داوود توسط رها انجامیده اما مخاطب همیشه غافلگیر در این سربال متوجه نمی شود که چگونه رها که روز قبل به داوود جواب رد داده، شب بعد او را به خانه اش دعوت کرده و از او اعتراف گرفته است. آیا او از عشق و علاقه داوود برای رسیدن به هدف خود و نخستین پیروزی دوران کاری اش استفاده کرده و گر نه اگر از اول نقشه ای در کار بوده چرا شایهت داوود با معشوقه قبلی را مطرح می شود و طوری تصویر سازی می شود که گویی این ارتباط عاطفی از سوی رها و یا مورد توجه رها نیز بوده است؟

وحشی هومن سیدی همانند زخم کاری محمدحسین مهدویان جذاب و غافلگیر کننده است اما دروغ از عمیق و باور پذیری که در این سربال ها باشد و همین سبب شده به مجموعه هایی یک بار مصرف و نه ماندگار بدل شوند. هم مهدویان هم سیدی به خوبی بر وجه تأثیر گذار و غافلگیر کننده سینما و جادوی آن آگاهی

از اسم و عنوان سربال که شروع کنیم به صفت وحشی می رسیم، مخاطبان سربال به خوبی می دانند که انتساب این صفت تنها به داوود اشرف با بازی جواد عزتی ممکن است اما چقدر این صفت در این شخصیت جلوه کرده و سیدی توانسته آن را به ظهور و بروز برساند؟ واقعیت این است که داوود اشرف سربال وحشی بیش از آنکه وحشی باشد، بدشانس و دروغگو است. لاقال تماشا ۸ قسمت فصل یک این تلقی را به تماشاگر سربال می دهد که با فردی بدشانس طرف است که از بدروز کار دچار اتفاقات ناگوار شده و قصدی هم در این وقایع ندارد از سوی دیگر، حجم زیاد پنهان کاری و نگفتن حقیقت، باعث شده شخصیت داوود فردی دروغگو انگاشته شود که برای به دام نیفتادن، هر بار با یک ترفند و حیل های، دروغ می گوید و پلیس و اطرافیان را فریب می دهد بی آنکه در هیچ یک از این لحظات دچار هیچ گونه عذاب وجدان یا ناراحتی حتی در خلوت خود شود. این در حالی است که سیدی به هیچ وجه داوود اشرف را فردی خبیث و پلید با لفظه نشان نداده که عذاب وجدان گرفتن او غیر قابل تصور شود.

از بدشانسی به عنوان یکی از صفات مهم داوود اشرف در سربال گفته شد اما این حجم از بدشانسی با چه انگیزه ای و با چه نسیبت داده می شود و اصولاً آیا ممکن است همه چیز و همه جاز بدشانسی به عنوان توجیه اتفاقات استفاده کرد؟ واقعیت این است که سناریست سربال سیدی، در بسیاری از اوقات از ساده ترین و پیش پا افتاده ترین ترفندها برای توجیه و تفسیر رفتارها و اتفاقات استفاده کرده و نتیجه آن شده که نه شخصیت ها عمق پیدا کردند و نه اتفاقات، منطقی و باور پذیر از آب درآمده اند.

از وجه جزئی تماتیک از قبیل بدشانس بودن داوود که بگذریم، می توان به منطقی کلی درام نیز ایراد وارد کرد به نحوی که نه شخصیت ها و نه داستانک ها نمی توانند در مسیر سربال باور پذیر باشند، هر چند ممکن است به دلیل برخی کنش های غافلگیر کننده در آن واحد، جذاب

پارادوکسیکال در محیط خانه داشته و مدام وضعیت را بحرانی کرده و بسار دیگر به آرامش می رسانند. کار بازیابی پدر چنان بالا گرفته که حتی مدیر این بچه ها در مدرسه به خانه دعوت می شود تا نقش پدر را مدتی بر عهده گیرد اما نتیجه فاجعه بار است و به اخراج بچه ها ختم می شود. فرزندان که گویا رابطه مهر آکنی با پدر دارند حالات روحی شان بی وقفه میان شادی و غم در نوسان است. در واقع آنان بدون حمایت و اقتدار پدرشان که در یک کشتار گاه مشغول کار بوده و بدنش به طور همیشگی بوی بد می داده و زبانش در قبال اعضای خانواده به دشنام و تحقیر باز می شده، توان مواجهه با خشونت واقعی و نمادین جامعه را ندارند. اما از دیگر سو، فقدان پدر باعث شده آنان احساس خوش بی پدری را تجربه کنند و با شوخ طبعی و شیطنت کودکانه، علیه آیین خودفریبانه سوگواری طولانی مدت دست به طغیان زنند. در این میان حضور مادر بزرگی فلیچ که دچار بیماری آلزایمر است و توانایی حرف زدن ندارد، یکی از دلایل تداوم ساختار خانواده است. نقش این پیرزن ناتوان را عباس جمالی با مهارت اجرا کرده و توانسته از کار افتادگی بدن، ذهن و زبان یک انسان فرتوت را به خوبی نمایش دهد. پیرزن بیمار میانی اتصال خانواده با گذشته ای دردناک و مبهم است و حضورش در روند عادی امور، اختلال ایجاد می کند. فرجام کار او در پایان نمایش، نمادین و تشدید کننده سوگ است و روال عادی امور را دچار وقفه می کند.

در نهایت می توان گفت اجرای نمایش عزادار در سالن استادانظرزاده کرمانی تماشاخانه ایرانشهر در امتداد تجربه ای است که امیر نجفی در نمایش «مشق شب» آغاز کرده و با خلق یک خانواده عجیب، فروبستگی موقعیت خانواده را به روایت نهشته بود. در هر دو نمایش «مشق شب» و «عزادار»، خبری از «نظریه رهایی» و «ایده خروج» از این چرخه تکرار شونده فروبستگی نیست و زندگی ملالت بار خانوادگی با تمام فراز و فرودهایش، ادامه می یابد. از این منظر جهان بینی امیر نجفی، نیهیلیسمی بدون مازاد است که راهی به رهایی نمی گشاید و هر گونه ایده تغییر را پس می زند. کیست که نداند این شکل از مواجهه با مصائب و خوشی های دنیا، به محافظه کاری تن می دهد و دور باطلی از خودماندگی را از نو تکرار می کند. به هر حال در زمانه ای که چشم انداز روشنی برای آینده مشاهده نمی شود و استیصال فراگیر است، نمایش «بن بست» و بازنمایی طولانی مدت سوگ و رویت پذیر کردن پدرسالاری، می تواند جذاب باشد و التیام بخش وجدان های معذب خجول. نمایش عزادار با روایتی شاعرانه و تماشایی از فرجام کار مادر بزرگ به پایان می رسد و این واقعیت را تأکید می کند که سوگواری همچنان به اشکال مختلف ادامه دارد. این سوگ را باز یگران توانایی چون عباس جمالی، آزاده صدی، آنالی شکوری، فراز سربای، نیما خطیبی شاد، کورش دانشور و رضا محمد خانی بر صحنه اجرا پذیر می کنند و بار دیگر خاطره تئاتر دانشگاهی را به ما یادآور می شوند.



دارند اما وجوه عامه پسند و تجاری این مدیوم سبب شده که این دو، بیش از آنکه به عمق داستان و فیلمنامه دقت داشته باشند بر اتفاقات غافلگیر کننده و حضور جذاب سلب ریتمی تا تأکید کنند و نتیجه آن شده که هر دو سربال، با وجود برخی امتیازات، به آثار بی مانده گار و استاندارد بدل نشوند. در کنار ایرادات یاد شده دو امتیاز اصلی در سربال وحشی وجود دارد، نخست حضور موفق بازیگران و با بازیگران فیلم اولی و شناخته نشده است که باعث شده لحظات حضور و رونمایی از این افراد نیز، سکانس های جذابی از آب در بیاد. برای نمونه به حضور دادستان، قاضی و پدر و مادر بچه ها در قسمت های آخر توجه کنید که چقدر خوب و طبیعی در مقابل دوربین نقش آفرینی کردند. در انتها باید به حضور ضعیف دو بازیگر اصلی فیلم یعنی نگار جواهریان و جواد عزتی اشاره کرد که این ضعف نه به خاطر ناتوانی این دو در بازیگری بلکه به خاطر ایرادات فیلمنامه در شخصیت پردازی بوده است که سبب شده در درجه اول جواد عزتی نتواند از شمایل مالک مالکی در زخم کاری و شمایل کم دی در فیلم هایی چون تمساح خونی فاصله بگیرد. نگار جواهریان نیز به دلیل شخصیت مبهم و نامعقول خود در فیلمنامه، اگر چه تلاش زیادی کرده که چهره ای جذاب، سرد و زیرک از خود نشان دهد اما بیسی از یک کاراکتر سوزنال که گاهی در حد یک پرستو ظاهر می شود و گاهی بسیار حاذق و فریبکار است، جلوه گری داشته و نتوانسته یک کاراکتر ماندگار و باور پذیر از خود ارائه دهد.